

قلم چرخید و فرمان را گرفتند

چهارشنبه ۱۲ خرداد ۱۳۸۹ - ۲ ژوئن ۲۰۱۰



سیمین بهبهانی

قلم چرخید و فرمان را گرفتند
ورق برگشت و ایران را گرفتند
به تیتراژ «شاه رفت» اطلاعات
توجه کرده کیهان را گرفتند
چپ و مذهب گره خوردند و شیخان
شبانه جای شاهان را گرفتند
همه از جیره‌ها بیرون خزیدند
به سرعت سقف و ایوان را گرفتند
گرفتند و گرفتن کارشان شد
هرآنچه خواستند آن را گرفتند
به هر انگیزه و با هر بهانه
مسلمان نامسلمان را گرفتند
به جرم بدحجابی، بد لباسی
زنان را نیز، مردان را گرفتند
سراغ سفره‌ها، نفتی نیامد
ولیکن در عوض نان را گرفتند
یکی نان خواست بردندش به زندان
از آن بیچاره دندان را گرفتند
یکی آفتابه دزدی گشت افشاء
به دست آفتابه داشت آن را گرفتند
یکی خان بود از حیث چپاول
دوتا مستخدم خان را گرفتند
فلان ملا مخالف داشت بسیار
مخالفهای ایشان را گرفتند
بده مزده به دزدان خزانه
که شاکی‌های آنان را گرفتند
چو شد در آستان قدس دزدی
گداهای خراسان را گرفتند
به جرم اختلاس شرکت نفت
برادرهای دربان را گرفتند
نمیخواهند چون خر را بگیرند

محبت کرده پالان را گرفتند
غذا را آشپز چون شور میکرد
سر سفره نمکدان را گرفتند
چو آمد سقف مهمانخانه پائین
به حکم شرع مهمان را گرفتند
به قم از روی توضیح المسائل
همه اغلاط قرآن را گرفتند
به جرم ارتداد از دین اسلام
دوباره شیخ صنعان را گرفتند
به این گله دوتا گرگ خودی زد
خدائی شد که چوپان را گرفتند
به ما درد و مرض دادند بسیار
دلیلش اینکه درمان را گرفتند
مقام رهبری هم شعر میگفت
ز دستش بند تنبان را گرفتند
همه اینها جهنم، این خلائق
ز مردم دین و ایمان را گرفتند